پاورقی اقتصادی

آسیب‌شناسی تولید ملی از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی (۳)

سیدابوتراب فاضل
عضو هیات‌علمی دانشگاه کار

■ تفسیر محیط، تعیین قابلیت‌ها و توانمندی راهبردی برای سیستم، موجب می‌شود تا استراتژی در مواجهه با رویدادهای محیطی دچار استحاله نشود و متناسب با رویدادها و تحولات و پیچیدگی‌ها به تطابق برسد. تفسیر محیط فرآیندی است که موجب سازگاری بخش اجرا با راهبرد شده و امکان ثبات حرکت مجریان در جهت اهداف راهبردی را به وجود می‌آورد. مسلما در این مسیر دولت و سازوکارهای به‌کار گرفته شده توسط او می‌تواند به ثبات موردنظر دامن بزند. در مقوله سیاست راهبردی حمایت از تولید ملی، خروج از تصلب سازمانی و انعطاف‌پذیری در برابر واقعیات جامعه، متناسب با نیازها از جمله راهکارهای اجرایی کردن حمایت از تولید ملی است، به‌طوری که این حمایت باید در قالب قوانین ملموس و به دست کارگزارانی توانمند به انجام برسد.

۲-ناکارآمدی ساخت دیوان‌سالاری دولت در بخش تولید

سازمان اداری در هر کشوری نقش اساسی، تعیین‌کننده و بادوام در روند اجرای برنامه‌های حکومتی دارد. ماکس وبر در مطالعات خود به این نتیجه رسید که مشروعیت حکومت ناشی از چگونگی کارکرد نهادها و سازمان‌های بوروکراتیک است. کشورهایی که به توسعه اقتصادی و نهادی دست می‌یابند قادرند تا سیاست‌گذاری اقتصادی خود را براساس الگوی بوروکراتیک سازمان دهند. توسعه سازمان اداری منسجم و کارآمد بیانگر میزان عقلانیت در ساختار اقتصادی و همچنین فرآیندهای تنظیم امور اجرایی است. از سوی دیگر در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی رابطه «خواست» و «یافت» در قالب ارایه داده و تحلیل ستاده از اهمیت زیادی برخوردار است. در این فرآیند، به واسطه حضور عرصه عمومی مقتدر در برابر سپهر قدرت، جریان سیال و عاقل جامعه در قالب نهادها، احزاب، سندیکاها و... خواست عمومی را به عنوان داده وارد سامان تصمیم‌سازی کرده و از آن سو یافت مورد نظر را به عنوان تصمیم در جامعه مشاهده می‌کند. این چرخه عقلانی نیازمند ساختار منسجم اجتماعی و به‌خصوص بوروکراسی پایدار و منطقی است. چنانچه اجزای این فرآیند در اجرا دچار اشکال شود، مسلما به ناکارآمدی بوروکراتیک منتهی شده و اجرای هر راهبرد منطقی را دچار اشکال می‌کند. در عین حال در ادبیات نوین توسعه، پژوهشگران توسعه را با تحول یار شد مستمر اقتصادی تعریف نمی‌کنند و محورهای جدیدی در حوزه سیاست، جامعه، فرهنگ و... را نیز همراه با روند رشد اقتصادی متصور می‌دانند. لذا توجه به پارامترهایی که قابلیت انسان، بوروکراسی اداری و سرمایه اجتماعی تعریف می‌شود از جمله روندهای با اهمیت در جریان توسعه است. در ایران نگاه دولت به اقتصاد از منشا اقتدار و ثروت است. دولت ثروتمند ناشی از درآمدهای نفتی، خود را متکفل رفاه و عدالت و فقرزدایی می‌پندارد و لذا تلاش می‌کند همه مشکلات جامعه را حل کند. این تمایل منتهی به در اختیارگیری تمامی فعالیت‌های اقتصادی و تمرکز و انحصار می‌شود و بنابراین دولت خود به یک سرمایه‌دار تبدیل می‌شود که تشخیص عرضه و تقاضا با خودش است و از این حیث با هرکس وارد معامله شود آن بخش از جامعه را به شدت فربه می‌کند. سخن بر سر این است که دولت در ایران به واسطه خصایل نفتی و رانتی و همچنین میل به سرمایه‌داری دولتی تلاش بسیاری در جهت حاکمیت محض در این عرصه کرده و کمتر میل به ایجاد رابطه با ملت و بیشتر تمایل به تمرکز و انحصار در سپهر اقتصاد دارد. این وضعیت نهادسازی اقتصادی و مشارکت و تحزب اقتصادی را با کندی مواجه کرده و بنابراین نه‌تنها توفیق و اثرگذاری را از او سلب کرده بلکه آگاهی عمومی را کاهش داده و درنهایت روند «تولیدستیزی» را در پیش گرفته است. در این روند «انسان» و قابلیت‌های او از پروژه توسعه حذف شده و تولید به معنای واقعی جایگاه خود را از دست می‌دهد. در حال حاضر فضای عمومی دولت یعنی دولت و ذی‌نفعان سیاسی در حوزه اقتصاد، عموما به بخش تجارت وابسته‌اند و دولت به لحاظ دین خود برای تامین منفعت کنشگران تجاری، به سمت اقتصاد تجاری رفته و لذا تولید داخلی مهجور مانده است. گرایش به واردات افزون شده و اقتصاد تجاری و نه تولیدمحور شکل گرفته است. در چنین روندی یعنی پیوند بین بازار و دولت، تولید محوریت اصلی را در اختیار نداشته و به هر میزانی که تولیدستیزی صورت گیرد، مشارکت مردم و نهادهای اقتصادی مستقل به حداقل می‌رسد. بدیهی است در کشورهایی که در فرآیند توسعه‌ای خود به تولید اصالت داده‌اند، تحولات اقتصادی به سمت‌وسوی پویاتری حرکت کرده است. در این زمینه اقتصاد ژاپن بهترین شاهد مدعاست. با توجه به آنچه گفته شد، مسلم است برای اینکه در شرایط کنونی کشور، ساخت دولت به سمت هدایت و حمایت از تولید ملی برود باید اولا اقتدار دولت در عرصه اقتصاد با اجرای درست اصل ۴۴ کاهش یابد ثانیا سرمایه‌داری دولتی به عنوان یک اصل نفی شده فرض شود و ثالثا اقتصاد انسان‌محور بر بستر یک اقتصاد رقابتی شکل بگیرد و رابعا روند دموکراتیزه کردن اقتصاد و نهادسازی اقتصادی در سپهر عمومی جدی گرفته شود. مسلم که ساخت متمرکز دیوان‌سالاری نمی‌تواند هدایت راهبرد مبتنی بر تولید ملی را به دست گیرد.

چرخی در اقتصاد ایران و نگاهی نزدیک به گرانی

نداریم؛ کاش بازاری نبودیم

«گرانی» این تنها چیزی است که این روزها در هر جایی از آن سخن می‌گویند. بدون تعارف تمام اقشار مردم وقتی دور یکدیگر جمع می‌شوند با شمع گرانی محفل خود را گرم می‌کنند. البته این گرما اصلا مطبوع نیست اما جا برای سخن گفتن در مورد آن بسیار زیاد وجود دارد. در این میان اما شاید تنها مدیران دولتی اقتصاد باشند که خیلی گرانی را باور ندارند یا اگر در مورد آن سخن بگویند حتما دلایلی عجیب برای آن ارایه می‌دهند. به باور برخی از مسوولان دولتی اقتصاد، گرانی یک دسیسه است که ربطی به برنامه‌های اقتصادی کشور ندارد. فارغ از این اما مردم یا مصرف‌کنندگان در اقتصاد ایران با پوست و گوشت گرانی را می‌فهمند و می‌گویند، این روزها گرانی بیش از هر زمان دیگری معیشت را آزار می‌دهد. به نظر می‌رسد باید به شهروندان حق داد. افزایش قیمت محصولات خوراکی تا ۱۴۶درصد که چند روز پیش در گزارش بانک مرکزی وجود داشت جای هیچ شک و شبهه‌ای در مورد آزار معیشت باقی نگذاشته است. کارشناسان بر این باورند که گرانی تنها دغدغه واقعی اقتصاد است که برنامه‌ریزان دولتی اقتصاد باید هرچه سریع‌تر راهکاری برای آن ارایه دهند اما اینکه چرا کار قیمت‌ها به اینجا رسیده است، پرسشی را به رخ می‌کشد که همه فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان اقتصاد ایران در پاسخ به آن فقدان برنامه‌های اصولی اقتصاد را عامل اصلی گرانی می‌دانند. یک حقوق‌بگیر دولتی به شرق می‌گوید: «گرانی که یک‌مرتبه رخ نمی‌دهد. این اشتباه است که فکر کنیم همه عوامل اقتصادی در اقتصاد دولتی ایران خوب کار می‌کنند ولی باز گرانی در این حد شکل گرفته است.» وی اضافه می‌کند: «این روزها هر چقدر درآمد داشته باشی یا در نیمه ماه به پایان می‌رسد یا با هزار صرفه‌جویی باز هم به آخر ماه قد نمی‌دهد. وقتی هر کیلو گوشت ۲۵هزار تومان است شما بگویید یک کارمند دولتی با حقوق ۵۵۰هزار تومان در ماه چگونه می‌تواند زندگی کند.» وی می‌گوید: «تازه این در حالی است که مسوولان اقتصادی با قاطعیت گرانی را رد می‌کنند و می‌گویند اوضاع همه خوب است و نباید مشکلات را در بوق کرد.» یک دبیر آموزش‌وپرورش نیز درباره گرانی به خبرنگار ما می‌گوید: «یارانه‌های ماهانه دردسری شده است. بدون شک هدفمند شدن یارانه‌ها اتفاق خوبی است اما در حال حاضر ۴۵هزار تومان یارانه ماهانه باعث شده است که مدیران اقتصادی فکر می‌کنند بهترین کار را کرده‌اند و هیچ مسوولیتی در قبال گرانی ندارند.» این معلم اضافه می‌کند: «باور کنید یارانه‌های ماهانه از عهده گرانی برنمی‌آیند. وقتی یک کیلو گوجه‌فرنگی دوهزارو ۵۰۰ تومان است، یک مرغ چهار هزار و ۵۰۰ تومان است و یک کیلو گوشت بیش از ۲۵هزار تومان است شما با یارانه ۴۵هزار تومانی چه می‌توانید بکنید.» وی می‌گوید: «فقط هم که خورد و خوراک نیست. هزینه تحصیل، آب و برق و بهداشت و هزار جور هزینه ریز و درشت دیگر امان از روزگار معیشت درآورده است.» یک فعال اقتصادی در حوزه پوشاک نیز با خبرنگار ما گفت‌وگو می‌کند. وی در مقابل این ادعا که این روزها ظاهرا کسانی که شغل آزاد دارند کمترین گرفتاری اقتصادی را تجربه می‌کنند، می‌گوید: «این حرف دیگر تبدیل به شوخی شده است. من از خدا می‌خواستم که کارمند دولت بودم و درآمد ثابتی داشتم. در بازار این روزهای اقتصاد ایران صاحبان مشاغل آزاد فقط دلهره را مزمزه می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد: «حضور در بازار هزار و یک رقم خطر ایجاد کرده است.»

ادامه در صفحه ۱۶

متوسط قیمت خرده‌فروشی برخی از مواد خوراکی در تهران هفته منتهی به ۱۳۹۱/۲/۱۵

(قیمت به ریال)

گروه و کالا	واحد	قیمت هفته مشابه ماه قبل	درصد تغییر/هفته مشابه سال قبل
۱ – لبنیات			۵۲/۳
ماست‌غیرپاستوریزه	کیلو	۱۶۰۸۰	۳۶/۴
ماست‌پاستوریزه	کیلو	۱۵۹۶۰	۶۱/۰
پنیرغیرپاستوریزه	کیلو	۱۱۳۹۷۰	۵۹/۴
پنیرپاستوریزه	بسته ۴۵۰ گرمی	۲۳۱۶۰	۵۷/۶
کره‌پاستوریزه	کیلو	۹۸۵۵۰	۱۲/۱
شیر استریلیزه	لیتر	۱۴۰۰۰	۶۰/۰
۲ – تخم‌مرغ			-۲۰/۸
تخم‌مرغ	شانه حدود ۲ کیلو	۵۵۲۶۰	-۲۰/۸
۳– برنج			۲۵/۵
وارداتی‌غیرتایلندی	کیلو	۲۶۹۴۰	۲۸/۰
داخله درجه یک	کیلو	۴۱۶۴۰	۲۲/۲
داخله درجه دو	کیلو	۳۰۵۶۰	۳۹/۷
۴– حبوب			۵۱/۳
نخود	کیلو	۳۶۹۶۰	۵۷/۵
لپه‌نخود	کیلو	۳۶۹۸۰	۶۰/۹
عدس	کیلو	۳۰۴۱۰	۳۱/۸
لوبیاچیتی	کیلو	۳۷۴۸۰	۵۵/۹
لوبیاچشم‌بلبلی	کیلو	۳۳۴۱۰	۳۲/۹
لوبیاسفید	کیلو	۳۶۳۲۰	۶۹/۹
لوبیاقرمز	کیلو	۳۶۸۴۰	۳۶/۱
۵– میوه‌های تازه			۳۷/۴
سیب قرمز تخم لبنان	کیلو	۲۳۵۲۰	۰/۲
سیب زرد تخم لبنان	کیلو	۲۳۲۰۰	۵/۸
پرتقال درجه یک	کیلو	۲۱۴۴۰	۳۹/۲
پرتقال درجه دو	کیلو	۱۳۲۳۰	۱۶/۷
نارنگی	کیلو	۲۹۰۲۰	۸۰/۶
لیموشیرین	کیلو	۲۰۸۸۰	۲۶/۴
گوجه‌سبز	کیلو	*	۷۱/۷
طالبی	کیلو	*	۴۱/۰
هندوانه	کیلو	۱۰۵۷۰	۴۹/۳
۶– سبزی‌های تازه			۹۱/۸
خیار	کیلو	۱۹۸۶۰	۵۹/۶
گوجه‌فرنگی	کیلو	۱۷۸۳۰	۱۸۹/۴
بادنجان	کیلو	۱۴۸۳۰	۳۱/۴
کدو سبز	کیلو	۱۸۹۵۰	۴۷/۱
سیب‌زمینی	کیلو	۶۴۲۰	-۱۸/۳
پیاز	کیلو	۶۲۱۰	۱۲/۸
لوبیاسبز	کیلو	۲۷۱۶۰	۴۱/۱
سبزی‌های برگی	کیلو	۱۵۱۶۰	۱۴۲/۴
۷– گوشت قرمز			۴۴/۸
گوسفندی با استخوان	کیلو	۲۲۶۳۹۰	۴۲/۹
گاو و گوساله بی‌استخوان	کیلو	۱۷۳۵۴۰	۴۷/۲
۸– گوشت مرغ			۴۵/۰
گوشت مرغ	کیلو	۴۷۶۹۰	۴۵/۰
۹– قند و شکر			۲۱/۱
قند	کیلو	۱۸۰۵۰	۱۹/۶
شکر	کیلو	۱۵۹۳۰	۲۳/۸
۱۰– چای			۳۸/۸
چای خارجی	بسته ۵۰۰ گرمی	۷۰۵۷۰	۳۸/۸
۱۱– روغن‌نباتی			۴۱/۹
روغن‌نباتی‌جامد	حلب ۵ کیلویی	۱۲۳۷۵۰	۴۱/۸
روغن‌نباتی‌مایع	لیتر	۲۳۴۴۰	۴۲/۳

منبع: بانک مرکزی

حق و حقوق بازنشستگان نفت در سفره دیگران

محمد فرهادی*: آنچه به تازگی تحت‌عنوان «تادیه دیون شرکت‌های اصلی و فرعی وزارت نفت به صندوق بازنشستگی» به مثابه یک تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و در چارچوب یک تسویه‌حساب قانونی اعلام و عنوان شده، بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی در محافل مالی و سرمایه‌گذاری خارج از سازمان پدید آورده که با ورود و دخالت سازمان خصوصی‌سازی در این مقوله، نیاز به توضیحات و اشاراتی را ضروری کرده است. موضوع تادیه دیون، صرفا برآمده از خواست و اراده درون‌سازمانی در صنعت نفت است و بر همین پایه، به روشنی می‌توان گفت و دریافت که حل و فصل آن نیز درون‌سازمانی است و نیازی به دخالت عوامل بیرونی نیست. اما اگر نیازی به توضیح و توجیه مساله در میان باشد – به‌ویژه برای آنهایی که با نگاه مطلق اقتصادی، کارکرد یک صندوق بیمه‌ای را موردتوجه قرار می‌دهند ـ یادآوری نکاتی در این زمینه ضروری می‌نماید. بدیهی است صندوق بازنشستگی صنعت نفت، همانند هر صندوق بیمه‌ای دیگر، افزون بر ارایه خدمات قانونی به مشتریان و اعضای تحت‌پوشش خود، دارای ساز و کار ویژه و کارکرد مورد انتظار یک بنگاه اقتصادی است. آنچه حیات صندوق و تداوم خدمات‌رسانی به آن را تضمین می‌کند ـ که تاکنون نیز این‌گونه بوده است ـ پیروی از مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی در چارچوب ماموریت‌ها و وظایف تعریف شده است. صندوق بازنشستگی صنعت نفت،یک نهاد مشارکتی و برآمده از خواست و اراده جمعی کسانی است که طی چند دهه آن را شکل داده، موجودیت بخشیده و برای دوام و بقایش کوشیده‌اند. آنچه تاکنون از سرمایه و نقدینگی موجود – به اضافه دیون و مطالبات معوقه – در این صندوق گرد آمده، تنها متعلق به همان‌هایی است که در طول حیات صندوق، عضو و شریکش خوانده شده‌اند ولاغیر. در این موقعیت به لحاظ قانونی، امکان ورود کوچک‌ترین خدشه‌ای موجود نیست. بنیه مالی و اقتصادی صندوق بازنشستگی صنعت نفت، با تفاوت‌هایی، با بهره‌گیری از همان شیوه و مکانیسمی فراهم آمده است که در دیگر صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای. این تفاوت را شاید بتوان تنها در چگونگی مشارکت و تعهد پرداخت حق‌السهم شرکا (بیمه‌شده و کارفرما) جست‌وجو کرد که همواره از اصول قانونی و شناخته شده پیروی کرده و به تجمیع سرمایه صندوق‌ها منجر شده است. آنچه امروز تحت‌عنوان دیون شرکت‌های وزارت نفت (اصلی و فرعی) از آن یاد می‌شود، در واقع مطالبات قانونی صندوق از یکی از شرکا (کارفرما) است که گفته می‌شود طی سال‌های متمادی از رقم چشمگیر حدود دوهزار میلیارد تومان فراتر رفته است. بدهی است تا دیه این میزان بدهی، می‌تواند تسهیلات عمده‌ای در کیفیت و کمیت ارایه خدمات بیمه‌ای و پاسخ‌گویی به مطالبات قانونی و معوقه بیمه‌شدگان زیر پوشش صندوق فراهم کند. دفاع از موجودیت صندوق- که بر یک‌یک اعضای آن فرض است- در واقع دفاع از توانمندی و استقلال آن است. صندوقی که اگر در مناسبات مالی-اقتصادی خود با شرکایش به تنگناهایی برمی‌خورد، لازم است صرفا با درایت و مدیریت سازمانی و به مثابه یک حرکت درون‌سازمانی حل و فصل شود که مصوبه هیات محترم دولت در این واپسین روزهای سال ۱۳۹۰، در زمینه تادیه بخشی از دیون شرکت‌های اصلی به صندوق بازنشستگی در قالب واگذاری سهام هلدینگ پتروشیمی خلیج‌فارس در واقع نمونه‌ای از روش‌های اجرایی و تمهیداتی است که عقلانی و درون‌سازمانی است. با چنین شیوه‌ای به نظر نمی‌رسد دیگر جایی یا بهانه‌ای برای ورود عوامل بیرونی با هدف نظارت یا دخالت در چنین مقوله‌ای باقی بماند.به ویژه برای سازمان خصوصی‌سازی که به نظر می‌رسد بی‌التفات به کارکرد یک صندوق بیمه‌ای، صرفا بانگاه اقتصادی، موضوع تادیه دیون صندوق بازنشستگی صنعت نفت را رصد می‌کند. در جایی که بازنشستگان صنعت نفت خود به این سهام (هلدینگ خلیج‌فارس) احتیاج دارند منطقی به نظر نمی‌رسد که اموال خود را به بانک‌ها یا صندوق تامین اجتماعی واگذار کرده یا آنها را در مال خود شریک کنند.

***رییس هیات‌مدیره کانون بازنشستگان استان فارس و سخنگوی کانون‌های بازنشستگی صنعت نفت کشور**

خبر

طرح حذف ۴ صفر پول ۱۰۰ روزه شد

احمدی‌نژاد هنوز امضا نکرده‌است

■ **فارس:** طرح حذف چهار صفر پول ملی که ۱۵ بهمن سال گذشته در کمیسیون اقتصادی دولت نهایی شده بود، با گذشت بیش از صد روز هنوز مورد تایید و امضای احمدی‌نژاد رییس‌جمهور قرار نگرفته است. «محمود احمدی‌نژاد» در پیام نوروزی سال ۸۷ خود از طرحی به نام اصلاح نظام ارزش‌گذاری پول ملی پرده برداشت که در قالب هفت طرح تحول اقتصادی مطرح شد و بر اساس آن طرح حذف صفرهای پول ملی کلید خورد.

عضو اتحادیه تولیدکنندگان کیف و کفش:

بسیاری از تولیدکنندگان به واردکننده تبدیل شده‌اند

■ **ایلنا:** عضو هیات مدیره اتحادیه تولیدکنندگان کیف و کفش اعلام کرد: واردات گسترده از چین، بزرگ‌ترین ضربه را به تولیدکنندگان داخلی وارد کرده است. «ذبیح‌الله کمیجانی» ضمن تاکید بر نادرست بودن سیاست‌های وارداتی کشور، اظهار داشت: واردات گسترده کیف و کفش از چین به ایران با توجه به قیمت‌های بسیار پایین این تولیدات، منجر به از بین رفتن قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی ما شده است. وی در این خصوص افزود: متاسفانه روند واردات از چین به واسطه نبود نظارت‌های کافی بر واردات محصولات با کیفیت مناسب منجر به آن شد که عمده واردات کالا از این کشور به کالاهای غیرکیفی معطوف شود. این فعال بخش خصوصی تصریح کرد: به واسطه کاهش قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی در بازار، طی سال‌های اخیر بسیاری از تولیدکنندگان فعالیت خود را رها کرده و به واردکننده تبدیل شده‌اند چرا که تولید برایشان سودآور نبود.

وزیر صنعت:

واردات خودرو قدیمی آزاد است
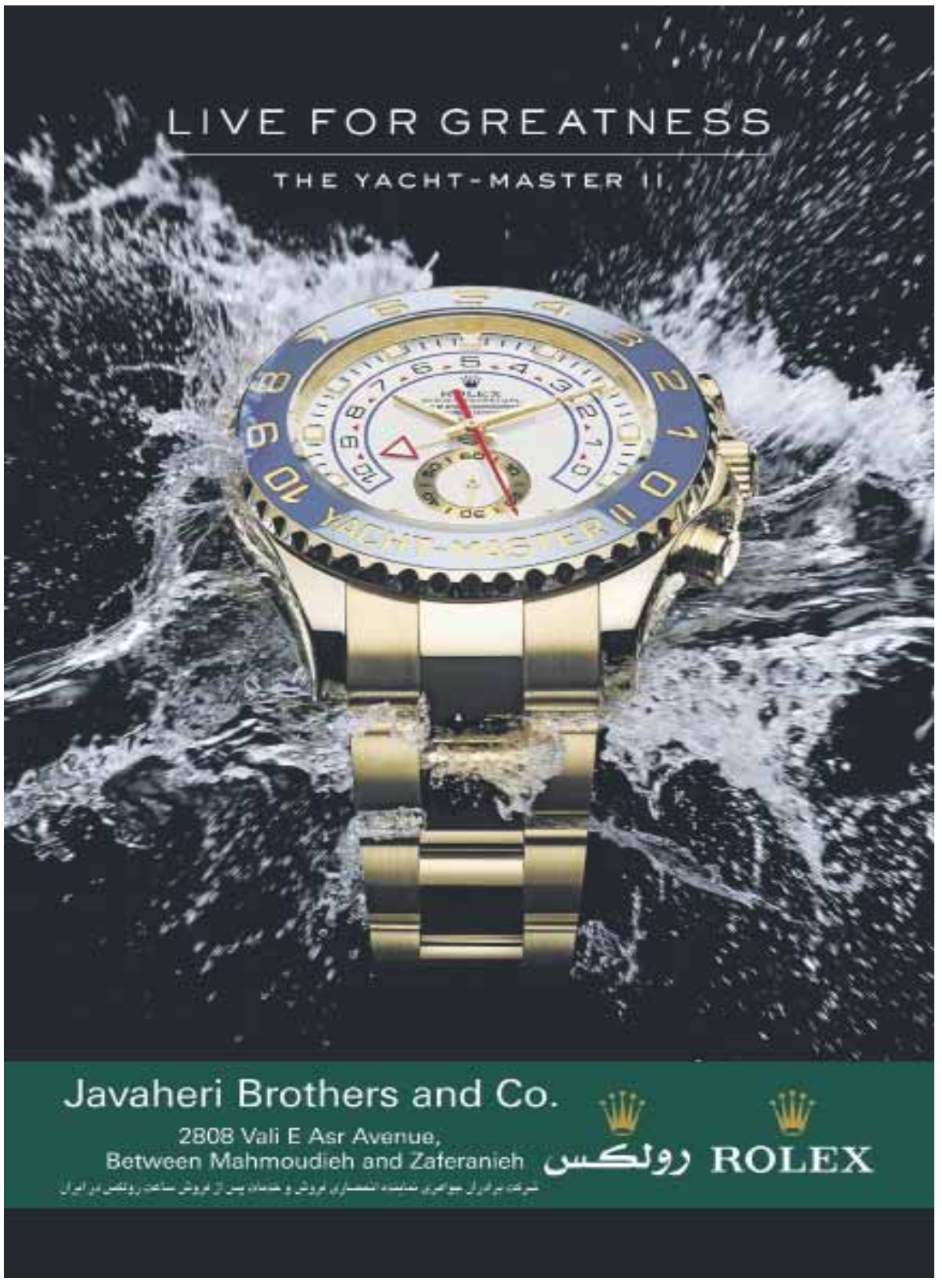
■ **پایگاه اطلاع‌رسانی دولت:** وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: واردات خودرو مستعمل که در گذشته ممنوع بوده، در زمان حاضر نیز ممنوع است و دولت مجوزی برای واردات خودروهای دست دوم خارجی صادر نکرده است. «غضنفری» با رد ادعایی درباره مجوز دولت برای واردات خودروهای دست دوم خارجی، اظهار داشت: چنین چیزی صحت ندارد زیرا در مصوبه دولت مطرح می‌شود که خودرو نویی که مربوط به یک سال یا دو سال قبل یا حداکثر سه سال گذشته باشد، این خودرو نو می‌تواند وارد شود. بحث مربوط به مدل خودرو است که اگر قدیمی باشد، می‌تواند وارد شود.